

روش‌های گسترش اخبار ساختگی؛ بررسی موردی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

hmoradi@rihu.ac.ir
aghelich@gmail.com

حسین مرادی نسب / استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
رسول قلیچ / دکترای تاریخ ایران پس از اسلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

چکیده

بررسی منابع و آثار تاریخی و نیز حدیثی نشان می‌دهد برخی از اخبار تاریخی جعلی در زمان اولیه صدور خود، امکان ترویج و گسترش کامل را نداشته‌اند، اما بسیاری از راویان بعدی از روی آگاهی و یا ناآگاهی، از روش‌های گوناگونی برای ترویج و گسترش این گزارش‌های جعلی استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر، گزارش‌های تاریخی متعددی در منابع حدیثی و تاریخی مبنی بر مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام وجود دارد که بنا بر نقد و بررسی بسیاری از منابع، در زمان اولیه، خبر مختصری بوده، ولی بعدها با روش‌ها و انگیزه‌های گوناگون در منابع به گستردگی نقل شده است. به نظر می‌رسد می‌توان با شناسایی ماده اولیه این گزارش‌ها و شناخت روش‌های گسترش این اخبار، نقد دقیق‌تر و روشن‌تری از این گونه اخبار ساختگی ارائه داد. در این پژوهش با بررسی گزارش‌های متعدد اخبار مطلق، این روش‌های گسترش اخبار جعلی شناسایی شده‌اند تا بتوان الگویی کلی برای شناسایی روش‌های گوناگون گسترش اخبار ساختگی به دست آورد. برخی از این روش‌های گسترش اخبار جعلی عبارتند از: افزودن آمار، فضیلت‌نمایی و افزودن جزئیات داستانی.

کلیدواژه‌ها: امام حسن مجتبی علیه السلام، اخبار مطلق، اخبار جعلی، نقد تاریخی.

یکی از ویژگی‌های اخبار تاریخی و اصولاً هرچه به نقل متکی است، اضافات و شاخ و برگ‌هایی است که به تدریج و در سیر روند نقل‌های شفاهی و مکتوب به وجود می‌آید. البته این موضوع تنها اختصاص به اخبار ساختگی ندارد و از آسیب‌های مربوط به نقلی بودن همه‌گونه گزارش‌های واقعی یا جعلی است؛ اما به یقین درباره اخبار ساختگی، این موضوع گستردگی بیشتری دارد؛ زیرا در گزارش‌های واقعی، این آسیب‌ها بیشتر در حالت نقل به معنا و - درواقع - به صورت ناخودآگاه صورت می‌گیرد، درحالی‌که در گزارش‌های جعلی، فارغ از حالت‌های ناخودآگاه، وجود انگیزه‌های کلامی و یا شخصی سبب افزایش عمدی این اضافات می‌شود. به نظر می‌رسد شناسایی این‌گونه روش‌های گسترش و افزایش در محتوای اخبار تاریخی ساختگی، می‌تواند کمک مهمی به نقد محتوایی آن اخبار به‌شمار آید. از این رو، این پژوهش یکی از گزارش‌های تاریخی مهم درباره امام حسن مجتبی علیه السلام، یعنی گزارش‌های مطلق بودن ایشان را محور قرار داده و با شناسایی حالت اولیه و مختصر این گزارش تاریخی، روش‌های گسترش کمی و کیفی این اخبار را در منابع بعدی شناسایی کرده است.

لازم به ذکر است که با جست‌وجوی به‌عمل آمده، هیچ پژوهشی با موضوع این مقاله، حتی به صورت مشابه نیز یافت نشد. درواقع در پژوهش‌های مرتبط با اخبار ساختگی به موضوعاتی مانند انگیزه‌های جعل و یا قالب‌های آن اشاره شده،^۱ اما روش‌های گسترش مغفول مانده که در این مقاله از آن بحث شده است.

یکی از مهم‌ترین مسائل در بررسی تاریخ زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام مسئله گزارش‌های تاریخی و حدیثی موجود درباره زیاد بودن تعداد طلاق‌های ایشان است که به «اخبار مطلق» معروف هستند.^۲ این گزارش‌ها در بسیاری از منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت^۳ و حتی شیعه^۴ نقل شده و همین کثرت نقل‌ها سبب شده است تا اصل قضیه، حتی در میان بسیاری از عالمان شیعه نیز تلقی به قبول شود و در نتیجه، آنان در پاسخ به این شبهه، به جای رد اصل قضیه، به توجیه آن پردازند.^۵

اما از سوی دیگر پژوهشگران دیگری با بررسی دقیق‌تر سندی و محتوایی و به سبب تناقض شدید این اخبار با واقعیات تاریخی، نشان داده‌اند که این اخبار بکلی بی‌اعتبار هستند و در فضای رقابت بین عباسیان و بنی‌الحسن در اواسط قرن دوم ساخته شده‌اند.

۱. رک: عبدالهادی مسعودی، وضع و نقد حدیث، ص ۱۵۶-۶۵.

۲. محمدبن مکرّم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۲۶.

۳. محمدبن‌سعد الطلیقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۲؛ عبدالله‌بن احمد ابن ابی‌شیبّه، المصنف، ج ۴، ص ۱۱۷؛ احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۷۱؛ ابوطالب مکی، قوت

القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۴. احمدبن محمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۱؛ محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۶؛ نعمان‌بن محمد قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۵۷.

۵. سینورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۲۶، ص ۳۳۰؛ محمدتقی مجلسی، روضه‌المتقین، ج ۹، ص ۵؛ یوسف بحرانی، الحلائق الناصره، ج ۲۵، ص ۱۴۹.

بر پایه این پژوهش‌ها،^۱ نخستین بار خبر مطلق بودن امام حسن علیه السلام توسط منصور عباسی در سخنرانی وی برای تعریض و حمله به رقبای سیاسی خود، یعنی عبدالله بن حسن بن حسن و فرزندان وی آمده است. او در این سخنرانی امام حسن علیه السلام را که جد بنی‌الحسن است، فردی ناتوان از حکومت دانست که ازای دریافت اموال و وعده ولایت‌مهدی معاویه، خلافت را وا گذاشت و با ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد به زنان مشغول گشت.^۲ این گزاره ساختگی بعدها با روش‌های گوناگون گسترش یافت و به آثار تاریخی و حدیثی راه یافت.

مهم‌ترین دلایل ساختگی بودن این اخبار را می‌توان موارد زیر دانست: عدم ذکر اسامی این همسران پرتعداد طلاق داده‌شده در منابع گوناگون؛ عدم بازتاب در منازعات اموی و علوی همان دوره امام حسن علیه السلام و نیز دوره‌های بعدی قبل از دوره منصور (با اینکه می‌توانست موضوع مناسبی برای عیب‌جویی از سوی امویان باشد)؛ تعارض با آموزه‌های قرآنی و حدیثی به سبب کراهت شدید طلاق؛ و عدم امکان انتساب چنین عملی با تکرارهای متعدد بر شخصیت خوشنامی همچون امام حسن علیه السلام.

در این پژوهش با قبول اصل ساختگی بودن گزارش‌های مطلق بودن امام حسن علیه السلام و نیز قبول این موضوع که ریشه همه این گزارش‌ها به ادعای منصور عباسی برمی‌گردد، روش‌های گوناگون گسترش این خبر در آثار بعدی بررسی شده است تا بتوان با به‌دست آوردن این روش‌ها، زمینه دستیابی به الگوی روش‌های تثبیت و گسترش ساختگی را فراهم کرد.

روش‌های گسترش اخبار جعلی

۱. استناد محتوای خبر ساختگی به امامان شیعه علیهم السلام و بزرگان مقبول طرفین

یکی از روش‌های گسترش اخبار جعلی، مستند ساختن محتوای خبر به بزرگان و شخصیت‌های مقبول همگان است؛ زیرا در این صورت محتوای خبر زیر سایه بزرگی شخصیت موردنظر قرار گرفته، راحت‌تر پذیرفته می‌شود. این روش در اخبار مطلق نیز به‌روشنی مشهود است و از اخبار مطلق به افرادی همچون امام علی علیه السلام (أن الحسن كان مطلقاً)؛^۳ امام سجاد علیه السلام (كان حسن بن علی مطلقاً للنساء و كان لا يفارقه امرأة الا و هي تحبه)؛^۴ امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام (ما زال الحسن يتزوج و يطلق حتى خشيت أن يورثنا عداوة في القبائل)؛^۵ و عبدالله بن حسن،

۱. رک: سیدمحمد مرتضوی، «نقد و بررسی روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن»، رسول محمدجفری و علی‌نقی لژگی، «واکاوی و بازپژوهی نقادانه روایات جعلی مطلقیت امام حسن»؛ حسین مرادی‌نسب، «تطورشناسی حدیث مطلق بودن امام حسن در منابع شیعه».

۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۸، ص ۹۳.

۳. احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۱۸۱.

۴. محمدبن ابن‌سعد، الطبقة الخامسة من الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۱.

نواده امام حسن علیه السلام (کان الحسن بن علی کثیر نکاح النساء...) نسبت داده شده است. این درحالی است که در جبهه روبرو، یعنی مخالفان علویان، بجز سخنان منصور عباسی بازتاب دیگری از این موضوع دیده نمی‌شود.

۲. تفصیل خبر از طریق بیان جزئیات

یکی از راه‌های گسترش خبر جعلی از صورت اولیه مجمل خویش، اضافه کردن جزئیات و بیان شواهد برای محتوای آن خبر است. افزایش جزئیات می‌تواند به شیوه‌های متعددی صورت گیرد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

یکم. افزودن جزئیات از طریق تعیین مصادیق

در این گونه افزایش محتوایی سعی می‌شود برای قابل قبول کردن ماجرای مجمل اولیه، گزارش‌های متعددی برای معلوم نمودن مصادیق این ازدواج‌ها (از طریق نام بردن از زنان گوناگون به‌عنوان همسران امام حسن علیه السلام و گاه کلی) به‌عنوان شاهدانی بر وجود ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد ارائه شود. اشکال این موضوع آن است که نوعاً از این افراد به‌عنوان همسر امام حسن علیه السلام در منابع یاد نشده و نیز منابعی که از این افراد یاد کرده‌اند، دچار تفرد در نقل هستند. البته تعداد این افراد کمتر از انگشتان یک دست است. در نتیجه نمی‌توانند نقد اساسی وارد شده به اخبار مطلق، مبنی بر عدم ذکر مصادیق برای ازدواج‌های متعدد امام حسن علیه السلام را پاسخگو باشند.

برای نمونه، می‌توان به این مصادیق اشاره کرد:

الف. ازدواج با/محبیب، دختر عمرو بن/هاتم منقری که تنها در دو منبع، یعنی *الشعر و الشعراء ابن قتیبه* و *بلاغات النساء ابن ابی طیفور* آمده است. با توجه به تفرد در نقل، به گونه‌ای که در هیچ‌یک از منابع تاریخی متقدم نمی‌توان گزارش ازدواج امام حسن علیه السلام با این همسر را یافت و تنها در این دو منبع که بیشتر هم صیغه ادبی دارند، آمده، روشن است که نمی‌توان حکم به قطعیت این ازدواج داد، به‌ویژه که گزارش این دو منبع از چگونگی این ازدواج متناقض بوده، به این صورت که در نقل *ابن قتیبه* سخن از طلاق در همان دیدار اول است که چون امام وی را زشت یافت، طلاق داد.^۲

اما در خبر دیگر این گونه آمده است که پس از ازدواج، امام حسن علیه السلام با همسرش در پشت‌بام خوابیدند و چون /محبیب ترسید که امام از خواب بیدار شود و از پشت‌بام بیفتد، یک طرف پارچه را به پای امام بست و طرف دیگر آن را به پای خود بست که سبب افزایش علاقه امام به وی شد. این علاقه تا آخر عمر امام باقی بود و بعد از درگذشت امام حسن علیه السلام، /محبیب حاضر به قبول مالی از میراث امام حسن علیه السلام نشد.^۳ همان گونه که ملاحظه می‌شود، در نقل *ابی طیفور*، سخنی از طلاق در میان نیست و از این حیث با نقل *ابن قتیبه* متعارض است.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲. عبدالله بن مسلم *ابن قتیبه*، *الشعر و الشعراء*، ج ۲، ص ۶.

۳. احمد بن ابی طاهر *ابن ابی طیفور*، *بلاغات النساء*، ص ۱۳۹-۱۴۰.

ب. ازدواج امام با حصار بنت خوجه بنت کعب غسانی که فقط غزالی (م ۵۰۵ق) از او یاد کرده که وی امام حسن علیه السلام را مسموم کرده است: «سَمَّت حصار بنت خوجه بنت کعب الغسانی زَوْجَهَا الحسن بن علی». ^۱ گذشته از اینکه زنی با نام حصار بنت خوجه کاملاً ناشناخته بوده و هیچ اطلاعی از وی در دست نیست، خبر ازدواج وی با امام حسن علیه السلام تنها در نقل غزالی آمده است و نمی‌توان تنها با اتکا به این گزارش چنین همسری را برای امام به‌شمار آورد.

ج. ازدواج امام با دختر عمیربن مأمون که شیخ صدوق در سند روایتی که از عمیربن مأمون آورده در باب «تحفة الصائم» نقل کرده که چنین است: «عن عمیربن مأمون - و کانت بنته تحت الحسن علیه السلام - عن الحسن بن علی، قال: ...». ^۲ این ازدواج تنها در نقل شیخ صدوق آمده و منابع بعدی هم که این روایت را آورده‌اند^۳ به تبعیت از ایشان نقل کرده‌اند. در نتیجه این نقل دچار تفرد در نقل بوده و احتمال وجود چنین همسری برای امام حسن علیه السلام بسیار ضعیف است.

گونه دیگری از تعیین مصادیق، یاد کردن از همسران گوناگون، بدون اشاره به نام آنها و صرفاً با اشاره به قبیله آنان است؛ مثلاً، «امراًة من بنی شیبان من آل همام»؛^۴ «امراًة من بنی اسد»؛^۵ «امراًة من اهل یمن»^۶ و مانند آن.

دوم. تفصیل از طریق ارائه آمار

یکی از شیوه‌های مرسوم در باورپذیر کردن یک خبر، ارائه آمار درباره آن رخداد است که سبب می‌شود زوایای تاریک گزارش‌ها برای مخاطب روشن شود. برای نمونه، رابیان در گزارش غزوات عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تعداد نفرات طرفین، ادوات، کشته‌ها، اسرا و غنایم توجه داشته‌اند و گاه به اجمال و گاه به تفصیل جزئیاتی مانند نفرات پیاده نظام، سوار نظام، تعداد ادوات جنگی و مانند آن را بیان کرده‌اند (برای نمونه، آمار جنگ بدر).^۷ همچنین در اخبار مربوط به صحابه و شخصیت‌ها، به تعداد فرزندان، همسران و نفرات خانواده آنان نظر داشته و آمارهای دقیقی ارائه کرده‌اند. برای نمونه، ابن‌سعد تعداد همسران عمر را نه همسر،^۸ عثمان را هشت

۱. ابوحامد غزالی، مجموعه رسائل الامام الغزالی، ص ۴۵۲.

۲. محمدبن علی صدوق، الخصال، ص ۶۱.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۴؛ محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۴۳.

۴. محمدبن ابن‌سعد، الطبقة الخامسة من الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۳؛ احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۷۰.

۵. محمدبن ابن‌سعد، الطبقة الخامسة من الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۰.

۶. احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۷۶.

۷. رک: عبدالملک بن ابن‌هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۵۰۰-۵۲۶.

۸. محمدبن ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۶۵.

همسر^۱، طلحه را هشت همسر^۲ و زبیر را بیش از پنج همسر آورده است.^۳ در تمام این اخبار نام هریک از همسران ذکر شده است؛ اما همین موضوع (ذکر آمار) می‌تواند روشی برای گسترش اخبار جعلی به‌شمار آید؛ آن هم هنگامی که آمار ارائه‌شده همراه با اغراق فاحش باشد، به‌ویژه آنکه این اغراق به اندازه‌ای باشد که با دیگر حقایق تاریخی مربوط به آن واقعه تاریخی همخوانی نداشته باشد. برای نمونه، در اخبار مطلق، این مسئله در ارائه آمار همسران امام حسن علیه السلام نمود کاملی دارد. با اینکه بیشتر منابع تاریخی و انساب اهل سنت که تعداد همسران امام حسن علیه السلام را با ذکر نام مشخص، یازده تن نام برده‌اند - که همین تعداد نیز قابل بررسی است - بیشتر منابع شیعه از چهار همسر که در زوجیت آنان با امام شکی نیست، یاد کرده‌اند. اما در همان منابع اهل سنت و شیعه که سعی در ترویج ماجرای مطلق بودن امام حسن علیه السلام داشته‌اند، آمار همسران حضرت را بدون نام بردن از نام آنان از ۵۰ تا ۳۰۰ تن ذکر کرده‌اند. برای نمونه، در منابع اهل سنت، ابن سعد^۴ و بلاذری^۵ نود تن؛ مقدسی^۶ ۲۰۰ تن؛ مکی^۷ ۲۵۰ تا ۳۰۰ تن؛ ابن ابی‌الحدید^۸ به نقل از مدائنی هفتاد تن؛^۹ ابن کثیر^{۱۰} ۷۰ تن؛^{۱۱} و در منابع شیعه نیز کلینی^{۱۲} ۵۰ تن؛ طبری شیعی هفتاد زن آزاد؛^{۱۳} ابن شهر آشوب به نقل از مکی (م ۳۸۶ق) ۲۵۰ تن و به نقلی ۳۰۰ تن^{۱۴} و مجلسی به نقل از کفعمی (م ۹۰۵ق) تعداد زنان حضرت را ۶۴ نفر^{۱۵} غیر از کنیزان آن حضرت ذکر کرده‌اند.

روشن است که بسیاری از مورخان با مشاهده این آمار گسترده که هم در منابع شیعه و اهل سنت آمده، تحت تأثیر قرار گرفته و اصل مطلق بودن امام حسن علیه السلام را قطعی پنداشته‌اند. این درحالی است که اگر نام تمام را همسرانی را که در منابع شیعه و سنی با ذکر نام به‌عنوان همسر امام ذکر شده‌اند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۰۰.

۴. محمدبن ابن سعد، الطبقات الكبرى، الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۵. احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشرافه، ج ۳، ص ۲۷۷.

۶. مطهرین طاهر مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۷۴-۷۵.

۷. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۸. عبدالحمیدبن هبئله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱.

۹. اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البداية و النهایه، ج ۸، ص ۵۴.

۱۰. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۶.

۱۱. محمدبن جریر بن رسته، دلائل الامامه، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۱۲. محمدبن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۱۹۲.

۱۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۱۴.

(فارغ از قطعی بودن یا نبودن همسری آنان) یکجا جمع‌آوری کنیم، تعداد مجموع آنها در نهایت سیزده تن خواهد بود. حتی اگر نام همسرانی را که بدون ذکر نام و تنها با ذکر نام قبیله در شمار همسران ایشان آمده (و احتمال اتحاد برخی از این افراد با همسران با ذکر نام وجود دارد) به‌شمار آوریم، مجموع آنها هجده تن خواهد بود که بسیار کمتر از تعدادی است که مورخان و محدثان به‌صورت کلی از آمار همسران امام ارائه داده‌اند.

از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که چند تن از همسران امام مانند *ام‌سحاق دختر طلحه* و *ام‌بشیر دختر ابومسعود انصاری*، *خوله دختر منظورین زبان* و *عده دختر اشعث همسران قطعی* و دایمی ایشان بوده‌اند^۱ و هیچ‌یک از منابع از مرگ آنان و یا طلاق آنان از امام یاد نکرده‌اند. به‌عبارت دیگر، اگر امام حسن علیه السلام می‌خواستند ازدواج دیگری انجام دهند با توجه به مجاز بودن حداکثر چهار زن در زمان واحد، می‌توان نتیجه گرفت که یا در بیشتر اوقات همین زنان معروف ایشان ظرفیت چهار همسر مجاز را تکمیل کرده بودند و یا اگر هم به هر علتی مانند فوت یکی از این همسران قطعی، ظرفیتی خالی شده باشد، تنها یک تن بوده است. براین‌اساس - در مقام واقع - امام حسن علیه السلام یا به‌سبب داشتن چهار زن قطعی، به هیچ وجه اختیار همسر بیشتر برایش ممکن نبوده و تنها در صورت طلاق یا فوت یکی از همسران، برایش امکان ازدواج مجدد فراهم می‌شده است. اگر این موضوع را در کنار مدت عمر کوتاه ایشان در نظر بگیریم، می‌توان نتیجه گرفت که عادتاً امکان ازدواج‌های فراوان برای ایشان فراهم نبوده است.

تنها فرض ممکن برای درستی تعداد این ازدواج‌ها استفاده از امکان ازدواج موقت است که در این‌باره، هم کسی مدعی چنین سخنی نشده و هم در میان جامعه آن روز رواج نداشته است. حتی اگر فرض بگیریم امام حسن علیه السلام به‌دلیل مبانی فقهی شیعی از این راه‌حل استفاده کرده باشند، در آن صورت موضوع طلاق از اساس سالبه به انتفای موضوع است؛ زیرا ازدواج موقت طلاق ندارد و جدایی زن و شوهر از طریق تمام شدن مدت عقد یا بخشیدن مدت و یا مرگ اتفاق می‌افتد.^۲

همچنین موضوع داشتن کنیزهای متعدد نیز نمی‌تواند هیچ ارتباطی با موضوع تعدد طلاق‌ها داشته باشد؛ زیرا علاوه بر رواج داشتن چندین کنیز در جامعه آن زمان، از لحاظ فقهی ارتباط با کنیز، نه از حیث عقد و نه از حیث طلاق، هیچ شباهتی با عقد ازدواج ندارد؛ زیرا کنیز یا باید از طریق خریدن شدن به تملک مالک درآید و یا از طریق هدیه به مالک جدید منتقل گردد.^۳ کنیزانی هم که صاحب فرزند می‌شدند هیچ فرقی با کنیزان بدون فرزند نداشتند. تنها فرق این دو در این بود که بعد از فوت مالک، کنیزانی که از

۱. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۲۵. محمد بن محمد بن نعمان مفید الارشاد، ج ۲، ص ۲۶ و ۲۷.

۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۸۸.

۳. همان، ج ۳۰، ص ۲۰۴.

مالک خود دارای فرزند بودند، از حق الارث فرزندشان به عنوان «ام ولد» آزاد می شدند.^۱ براین اساس، از راه توجیه داشتن کنیزان متعدد هم (که البته این تعدد نیز برای امام حسن علیه السلام اثبات شده نیست) نمی توان راهی برای اثبات آمار ازدواج ها و طلاق های متعدد به دست آورد.

۳. شمول اخبار بر جزئیات مناسب دیگری خارج از موضوع مطلق بودن

یکی دیگر از روش های گسترش اخبار جعلی، ذکر جزئیات و نکات جالب و حتی قابل قبول دیگری است که به اصل اخبار جعلی افزوده شده و سبب می شود بسیاری از روایان به سبب جالب و مفید بودن آن نکات و حواشی، به نقل آن روایات بپردازند که در نتیجه مضمون اصلی آن اخبار جعلی گسترش بیشتری می یابد. برای نمونه، در خبری که در منابع اخلاقی آمده است، پس از اشاره به ازدواج های متعدد (و به تبع آن طلاق های متعدد) امام حسن علیه السلام، روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که ایشان به کوفیان فرمودند: چون فرزندم حسن مطلق است، به وی همسر ندهید. مردی از بنی همدان گفت: به او زن می دهیم؛ خواست نگه دارد، نخواست او را ترک کند. امام علی علیه السلام از این پاسخ خوشحال شدند و شعری در مدح بنی همدان سرودند: «اگر دربان بهشت بودم، به بنی همدان می گفتم: وارد بهشت شوید».^۲ سخن حاشیه ای امام علی علیه السلام در مدح بنی همدان که در منابع دیگر به عنوان «مدح امام علی علیه السلام از همدانیان در جنگ صفین» آمده است.^۳ در این خبر خوشحالی امام از علاقه بنی همدان به امام حسن علیه السلام آمده است. پس این سخن جالب امام در مدح همدانیان به عنوان نکته خارج از موضوع مطلق، مبنای نقل خبری در تأیید مطلق بودن امام حسن علیه السلام شده است.

۴. دربر داشتن توجیه برای ابعاد مبهم و باورناپذیر ماجرا

یکی دیگر از راه های گسترش اخبار جعلی، اخباری است که توجیهی برای قابل باور کردن برخی گزارش های تاریخی مبهم و یا گزارش هایی دارد که در نگاه اول، پذیرش آنها محل تردید است. این موضوع سبب می شود ناقلان اخبار برای نقل آن مطالب، دارای توجیه عقلانی و یا شرعی باشند.

برای نمونه، در اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام، ثعالبی (م ۴۲۹ق) در خبری از خود امام حسن علیه السلام توجیه ایشان برای ازدواج ها و طلاق های متعدد را از زبان ایشان بیان کرده است: «من زن گرفتن را دوست دارم؛ چون از خداوند شنیدم که می فرماید: مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را

۱. همان، ج ۳۰، ص ۲۰۴.

۲. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲؛ ابوحامد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۵۹.

۳. نصرین مزاحم منقری، وقعة صفین، ص ۲۷۴.

به نکاح درآورد. اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد.»^۱ پس ازدواج کردم و زن خواستم؛ و از خداوند شنیدم که فرمود: «و اگر آن دو از یکدیگر جدا شدند، خداوند هریک را از کرم و وسعت خویش بی‌نیاز می‌کند...»^۲ پس طلاق دادم تا زن [دیگری] بگیرم.^۳

ملاحظه می‌شود که این خبر با محتوای خاصی که شامل توجیه ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد امام حسن علیه السلام بوده، آن هم به نقل از خود ایشان، دستاویز مناسبی برای نقل اخبار مطلق و گسترش آنها به دست داده است.

۵. تفصیل اخبار با داستان‌سرایی

از دیگر راه‌های گسترش اخبار جعلی، تفصیل و اضافاتی است در قالب بیان داستان و اضافه کردن جزئیات ریزتر برای آن حوادث. برای نمونه، می‌توان در اخبار مطلق به گزارش‌های داستانی و با ذکر جزئیات و حوادث گوناگون در گزارش ازدواج و طلاق امام حسن علیه السلام با هند دختر سهیل بن عمرو و حفصه دختر عبدالرحمن بن ابی‌بکر اشاره کرد، به‌ویژه آنکه در اصل ازدواج امام حسن علیه السلام با این دو تن نیز تردید وجود دارد. درباره ازدواج با هند دختر سهیل بن عمرو، گزارش‌ها نشان می‌دهد: وی ابتدا همسر یکی از قریشیان (بنا به اختلاف گزارش‌ها عبدالله بن عامر و یا عبدالرحمن بن عتاب) بود که معاویه سعی کرد وی را بفریزد تا وی همسرش را طلاق دهد و بتواند وی را به همسری پسرش یزید درآورد. پس از طلاق هند، ابوهریره به‌عنوان واسطه از سوی معاویه به خواستگاری وی آمد. وقتی امام حسن علیه السلام نیز از ماجرا خبردار شد، از ابوهریره خواست که نام وی را نیز به‌عنوان خواستگار ببرد. در نهایت هند، همسری امام حسن علیه السلام را پذیرفت، اما طی ماجرای دیگری چون امام حسن علیه السلام، از علاقه هند به شوهر سابقش خبردار شد، وی را طلاق داد. در منابع گوناگون این ماجرا با جزئیات بیشتری و نیز با اختلافات و یا تناقض‌هایی نقل شده است.^۴

طول و تفصیل‌هایی که در نقل ماجرای این ازدواج در منابع دیده می‌شود، داستان جذابی را با فراز و فرودی خواندنی به وجود آورده و سبب افزایش علاقه مورخان برای نقل این ماجرا شده است. ماجرای ازدواج با حفصه دختر عبدالرحمن بن ابوبکر نیز مشابهتی با ماجرای ازدواج با هند دارد.^۵ در آن ماجرا هم امام حسن علیه السلام وی را به همسری شوهر قبلی‌اش درآورد که مؤلفه‌های جذابتی داستانی در آن نیز دیده می‌شود.

۱. نور: ۳۲.

۲. نساء: ۱۳۰.

۳. عبدالملک ثعالی، اللطائف و الطرائف، ص ۱۶۸؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، محاضرات الادیاب، ج ۲، ص ۲۲۰.

۴. رک: محمد بن ابن سعد، الطبقة الخامسة من الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۵. یوسف سیط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين، ج ۱، ص ۲۸۱؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۹.

۵. محمد بن ابن سعد، الطبقة الخامسة من الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۷. احمد بن یحیی بلذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۷۴؛ عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح

۶. اعتماد به منابع معتبر کهن بدون نقد و ارزیابی

یکی دیگر از روش‌های گسترش اخبار جعلی اعتماد منابع متأخر به منابع معتبر متقدم است. برای مثال، می‌توان از کتاب **الکافی** کلینی نام برد که نزد محدثان شیعه مهم‌ترین کتاب حدیثی به‌شمار می‌آید. طبیعی است صرف نقل روایتی در این کتاب، حتی فارغ از بحث سندی و صحیح یا ضعیف بودن آن، سبب تسهیل نقل آن روایت در منابع متأخر بعدی شده و مؤلفان متأخر با اعتماد بسیار به کتاب **الکافی** منقولات آن را در آثار خود می‌آورند و محتوای آن را گسترش می‌دهند.

برای نمونه، در موضوع اخبار مطلق نیز دو خبر با مضمون تقریباً یکسان در کتاب **الکافی** آمده است که براساس آن امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل کرده که ایشان بر روی منبر فرمودند: دخترانتان را به ازدواج حسن علیه السلام درنیاورید؛ زیرا او مردی طلاق‌دهنده است. مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: به خدا قسم، دخترانم را به او تزویج می‌کنیم؛ چون او فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ اگر خواست نگه دارد، اگر نخواست طلاق دهد.^۱ براساس اعتماد به نقل کلینی، بسیاری از محدثان شیعه در قرون بعدی این دو روایت را به‌وفور در منابع خود نقل کرده‌اند.^۲

نمونه دیگر روایتی است که در کتاب **المحاسن برقی** که از کهن‌ترین متون حدیثی شیعه است، آمده که در آن نیز به مطلق بودن امام حسن علیه السلام از زبان امام علی علیه السلام اشاره شده^۳ و در قرون بعدی همین روایت در منابع بعدی شیعی بازتاب یافته است.^۴

۷. فضیلت‌نمایی

یکی دیگر از روش‌های گسترش اخبار جعلی روش فضیلت‌نمایی است؛ یعنی اخباری که در ظاهر آنها مدح و فضیلت شخص موردنظر نشان داده می‌شود، اما در واقع در مذمت آن شخص است. شاید بتوان گفت: این نوع از روش‌های گسترش اخبار، در خصوص اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام بیشترین تأثیر را داشته است. علت آن هم این است که شخصیت مثبت امام حسن علیه السلام و محبوبیت ایشان در میان شیعه و اهل سنت به‌گونه‌ای بوده که امکان نقل اخبار در مذمت ایشان در منابع فریقین و به‌ویژه شیعیان فراهم نمی‌شده است. اما با استفاده از این روش، مؤلفان شیعه و یا مؤلفانی از اهل سنت که در مقام بیان مداخل ایشان بودند، به گمان اینکه در حال نقل مداخل ایشان هستند، ناخواسته به ترویج اخبار جعلی در مذمت ایشان پرداخته‌اند.

۱. محمدبن یقوب کلینی، **الکافی**، ج ۶، ص ۵۶.

۲. محمدبن حسن حرعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۴۴؛ محمدتقی مجلسی، **روضه المتقین**، ج ۴، ص ۴۶۹؛ یوسف بحرانی، **الحدائق الناضرة**، ج ۲۵، ص ۱۴۸.

۳. احمدبن محمد برقی، **المحاسن**، ج ۲، ص ۶۰۱.

۴. محمدبن حسن حرعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۴۴؛ محمدباقر مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۴۳، ص ۳۳۸.

برای نمونه، می‌توان به خبری اشاره کرد که در آن ضمن آگاهی داشتن افراد از مطلق بودن امام حسن علیه السلام و حتی بداخلاق بودن ایشان (عَلِقُ، طَلِقُ مَلِيقُ)، بر همسر دادن به ایشان به سبب شرافت نسبی و خاندانی ایشان تأکید شده است.^۱ ملاحظه می‌شود که ظاهر این روایت علاقه فراوان مردم به امام حسن علیه السلام و تلاش برای قرابت با ایشان است که می‌تواند فضیلتی برای امام حسن علیه السلام قلمداد شود؛ اما دقت بیشتر در محتوای روایت نشان می‌دهد ماده اصلی آن تأکید بر مطلق بودن و بداخلاق بودن ایشان است. این در حالی است که برخی منابع شیعی بدون توجه به محتوای توهین‌آمیز، آن را به عنوان روایتی در فضیلت امام حسن علیه السلام نقل کرده‌اند.^۲

دو روایت نقل شده در کتاب *الکافی* نیز محتوایی شبیه این روایت دارد^۳ و در آن بعد از اینکه امام علی علیه السلام از مردم خواستند که به سبب مطلق بودن امام حسن علیه السلام به ایشان همسر ندهند، فردی از بنی‌همدان علت علاقه مردم به همسر دادن به ایشان را علاقه آنان به ایشان به خاطر فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بودن گفته است. بر این اساس نقل کلینی نیز نقلی براساس فضیلت‌نمایی به شمار می‌آید.

این تأکید بر فضیلت‌نمایی در برخی از منابع اهل سنت به حدی مطمح نظر بوده که اصل این ازدواج‌های متعدد و به تبع آن طلاق‌های متعدد، به عنوان منقبت برای امام حسن علیه السلام شمرده شده است.^۴

نتیجه‌گیری

بررسی منابع تاریخی، سیره و حدیثی نشان می‌دهد که اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام به شیوه‌های گوناگون در این منابع، از حالت اجمال آغازین خود، تفصیل و بسط یافته و به تدریج شکل یک گزارش تاریخی مشهور به خود گرفته است. مهم‌ترین روش‌های گسترش این اخبار عبارتند از: مستند کردن اخبار ساختگی به امامان شیعه و دیگر بزرگان؛ اضافه کردن آمار بدون ذکر مصادیق؛ ارائه مصادیق محدود و گاه مبهم؛ فضیلت‌نمایی؛ و جذاب کردن از طریق افزودن جزئیات داستانی.

به نظر می‌رسد می‌توان با تحقیق درباره دیگر اخبار تاریخی که از حالت اولیه مجمل خود گسترش یافته و به عنوان اخبار مشهور تاریخی درآمد‌دهند، علاوه بر این روش‌ها، روش‌های دیگری برای ارائه الگوی گسترش اخبار تاریخی به دست آورد و بر آنچه در این مقاله ذکر شده، افزود.

۱. محمدبن ابن‌سعد، الطبقة الخامسة من الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۹۰؛ سلیمان طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۴۷.

۲. محمدبن علی ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۱۹۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۷۱.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۶.

۴. شمس‌الدین محمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۳۶؛ جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۰۷.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمیدین هبة الله، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن احمد، **المصنف**، تحقیق سعید محمد لحم، بیروت، دار الفکر، ١٤٠٩ق.
- ابن ابی طیفور، احمد بن ابی طاهر، **بلاغات النساء**، قم، مکتبه بصیرتی، بی تا.
- ابن سعد، محمد بن، **الطبقات الکبری**، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٠ق.
- ، **الطبقة الخامسة من الطبقات الکبری**، تحقیق محمد بن صامل السلمی، طائف، مکتبه الصدیق، ١٤١٤ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، تحقیق لجنة من أساتذة النجف الاشرف، نجف، مطبعة الحیدریه، ١٣٧٦ق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، **الشعر والشعراء**، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دار الحدیث، ١٤٣٣ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، **البدایة والنهایة**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٨ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق.
- ابن هشام، عبدالملک بن، **السيرة النبویة**، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح واولاده، ١٣٨٣ق.
- بحرانی، یوسف، **الحدائق الناضرة**، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٩ق.
- برقی، احمد بن محمد، **المحاسن**، تحقیق سیدجلال الدین محدث ارموی، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧١.
- بلادری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ١٤١٧ق.
- ثعالبی، عبدالملک، **الطائف والنظائر**، بیروت، دار المناهل، بی تا.
- حراعلمی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تحقیق مؤسسه آل البیت، لاجیاء التراث، چ دوم، قم، مؤسسه آل البیت، ١٤٠٩ق.
- خوارزمی، موفق بن احمد، **مقتل الحسین**، تحقیق مالک محمودی، قم، انوار الهدی، ١٤٣٣ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد، **تاریخ الإسلام**، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٠٧ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء**، بیروت، دارالفکر، ١٤٢٠ق.
- زبیری، مصعب بن عبدالله، **نسب قریش**، تحقیق ا. لیفی بروفینیسال، قاهره، دارالمعارف، ١٩٩٩م.
- سبطین جوزی، یوسف، **تذکره الخواص من الأمة فی ذکر خصائص الأئمه**، قم، شریف الرضی، ١٤١٨ق.
- سیوطی، جلال الدین، **تاریخ الخلفاء**، تحقیق لجنة من الأدباء، بیروت، مطابع معتوق اخوان، بی تا.
- شوشتری، سیدنورالله، **احقاق الحق وازهاق الباطل**، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، ١٤٠٩ق.
- صدوق، محمد بن علی، **الخصال**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٣ق.
- طبرانی، سلیمان، **المعجم الکبیر**، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، چ ششم، قم، شریف الرضی، ١٣٩٢.
- طبری (شیعی)، (منسوب) محمد بن جریر بن رستم، **دلائل الامامه**، قم، مؤسسه البعثه، ١٤١٣ق.
- طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الأمم والملوک**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی، ١٣٨٧ق.
- غزالی، ابوحامد، **احیاء علوم الدین**، تحقیق عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت، دارالکتب العربی بی تا.
- ، **مجموعه رسائل الامام الغزالی**، (کتاب سر العالمین و کشف فی ما الدارین)، بیروت، دارالفکر، ١٤١٦ق.
- قاضی نعمان، نعمان بن محمد، **دعائم الإسلام**، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، چ دوم، مصر، دارالمعارف، ١٣٧٩ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ق.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، چ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق.
- مجلسی، محمدتقی، **روضه المتقین**، تحقیق سیدحسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهدادی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ١٣٩٨.

روش‌های گسترش اخبار ساختگی؛ بررسی موردی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام ❖ ۹۳

محمدجعفری رسول و علی نقی لزگی، «واکاوی و بازپژوهی نقادانه روایات جعلی مطلقیت امام حسن علیه السلام»، ۱۳۹۵، حدیث پژوهی، ش ۱۵، ص ۲۲۸-۲۰۳.

مرادی نسب، حسین، «تطورشناسی حدیث مطلق امام حسن محتبی علیه السلام در منابع شیعه»، ۱۳۹۶، شیعه‌شناسی، دوره پانزدهم، ش ۵۹، ص ۱۴۵-۱۷۲.

مرتضوی، سیدمحمد، «نقد و بررسی روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن علیه السلام»، ۱۳۸۶، الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ش ۷۶، ص ۱۲۱-۱۴۵.

مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، تهران، سمت، ۱۳۹۴.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، الارشاد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقدسی، مطهرین طاهر، البدء و التاریخ، بورسعید، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.

مکی، ابوطالب، قوت القلوب فی معاملة المحبوب، تحقیق باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

منقری، نصرین مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی